

## دقایق الشعر و مؤلف آن برپایه تحریری تازه‌یاب از کتاب

ارحام مرادی\*

نسیم عظیمی پور\*\*

### چکیده

دقایق الشعر از جمله کتاب‌های فارسی در حوزه بلاغت است که در سده هشتم هجری تألیف شده است. این کتاب را پیشتر محمدکاظم امام منتشر کرده است. با بررسی دست‌نویس‌های موجود این کتاب، تحریری تازه از آن یافت شد که حاوی اختلافات و اضافاتی مهم نسبت به صورت چاپی آن است. در این جستار با بررسی تفاوت‌های تبارشناختی دست‌نویس‌های این کتاب و با استفاده از برخی منابع کهن، آگاهی‌هایی تازه در باب مؤلف، مهدی‌الیه و محل تألیف کتاب عرضه می‌شود.

**کلیدواژه‌ها:** بلاغت فارسی، دقایق الشعر، تاج‌الحلاوی، تاج‌الحلوی، جمال‌الدین ابوالعز، عزالدین منوچهر، ابوالعزیزان، قزوین.

---

\* دانشجوی دکتری ایران‌شناسی دانشگاه ماربورگ [moradiarham@gmail.com](mailto:moradiarham@gmail.com)

\*\* عضو هیئت علمی فرهنگستان زبان و ادب فارسی [azimipournasim@gmail.com](mailto:azimipournasim@gmail.com)

---

تاریخ دریافت: ۹۱/۱/۱۹ تاریخ پذیرش: ۹۲/۳/۴

فصلنامه زبان و ادبیات فارسی، سال ۲۱، شماره ۷۵، پاییز ۱۳۹۲

## مقدمه

دقایق‌الشعر یکی از متون مهم بلاغی فارسی پیش از سال ۸۰۰ هجری است که تاکنون به صورت انتقادی تصحیح نشده و هیچ‌گونه بررسی دقیقی درباره آن صورت نگرفته است. دقایق‌الشعر درواقع یکی از کتاب‌هایی است که به تقلید از حدیق‌السحر رشید و طواط نگاشته شده است. از جمله ارزش‌های این کتاب می‌توان به برخی نگاه‌های بلاغی خاص و تازه در مقایسه با حدیق‌السحر و نیز وجود نام و اشعار چند شاعر گمنام و ناشناخته و ابیاتی تازه از بعضی شاعران بی‌دیوان در آن اشاره کرد.

تنها چاپ دقایق‌الشعر را محمد کاظم امام در سال ۱۳۴۱ صورت داده است.<sup>۱</sup> متأسفانه چاپ مزبور در کمال بی‌دقتی انجام شده و کتاب پر از اغلاط فاحش، افتادگی‌ها و جابه‌جایی‌هایی است که متن را آشفته و ناکارآمد ساخته است.<sup>۲</sup>

آنچه ضرورت توجه به این متن را دوچندان کرد و ما را بر آن داشت تا به بررسی این کتاب اقدام کنیم، یافتن نسخه‌ای از دقایق‌الشعر بود که تحریری تازه و کامل از این کتاب را شامل است. این تحریر نویافته که حاوی اطلاعاتی جدید درباب کتاب، مؤلف و مهدی‌الیه آن است، تاکنون ناشناخته مانده و کسی از آن بهره نبرده است. با پیداشدن آن، اطلاعات ما درباره دقایق‌الشعر و مؤلف آن بیشتر می‌شود.

با جست‌وجو در فهرست کتاب‌های خطی توانستیم هشت دست‌نویس از دقایق‌الشعر را شناسایی کنیم که دسترسی به تصویر شش نسخه از آن‌ها برای ما میسر شد:<sup>۳</sup>

۱. نسخه شماره ۸۴۵۸ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، مورخ ۱۲۵۸ق.

۲. نسخه شماره ۱۲۸۴۴ کتابخانه آیت‌الله مرعشی قم، مورخ ۸۰۰ق(۴).

۳. نسخه شماره ۵۱۱ کتابخانه ملی ملک تهران، کتابت سده دهم ق.

۴. نسخه شماره ۱۷۵۲ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، مورخ ۱۲۳۰ق.

۵. نسخه شماره ۱۲۲۶/ف کتابخانه ملی ایران، مورخ ۱۳۱۲ق.

۶. نسخه شماره ۴۱۶۱ کتابخانه ایاصوفیای استانبول، مورخ ۸۲۳ق.<sup>۴</sup>

۷. نسخه شماره ۶۸۷ کتابخانه دانشگاه استانبول، مورخ ۱۰۵۶ق.

۸. نسخه شماره ۲۸۹ کتابخانه دانشگاه استانبول، مورخ ۱۳۰۷ق.

از بررسی دست‌نویس‌های دقایق‌الشعر به این نتیجه رسیدیم که آن‌ها از سه مادر نسخه منشعب شده‌اند. این نتیجه‌گیری از توجه به اضافات و افتادگی‌ها و اغلاط فاحش مشترک در این نسخ به دست آمد.

**شجره نخست**

نسخه ۱ که در واقع حاوی تحریر تازه کتاب است خود به تنهایی یکی از سه شجره گفته شده است. نسخه مزبور تفاوت‌هایی اساسی با دیگر دست‌نویس‌ها دارد. این تحریر نویافته دقایق/الشعر برای نخستین بار است که مورد توجه واقع می‌شود.

این دست‌نویس شامل اضافاتی اصیل است و از قراین موجود در آن دانسته می‌شود که افزوده فردی غیر از مؤلف کتاب نمی‌تواند باشد.<sup>۵</sup> بخش‌هایی از این اضافات مطالب مهمی هستند که اطلاعات ما را در باب خود کتاب، مؤلف آن، ممدوحان او، مهدی‌الیه کتاب و مکان تألیف آن افزایش می‌دهد. این‌گونه اطلاعات تاریخی بیشتر در قسمت‌های تازه دیباچه و انجام کتاب واقع شده‌اند. در مطاوی متن نیز از جد مهدی‌الیه که خود از ممدوحان صاحب کتاب است چندجا یاد شده و اشعاری در مدح او نقل شده است.

از دیگر اضافات این دست‌نویس ابیات اضافه‌ای از اشعار خود مؤلف است که در مقام استشهاد برای برخی صنایع شعری آورده است. این ابیات پیکره کوچکی را که از اشعار مؤلف در اختیار داریم وسعت می‌بخشد.

اختلاف دیگری که این دست‌نویس با دیگر دست‌نویس‌ها دارد انتساب درست اشعار به شاعران واقعی آن‌هاست؛ از جمله اغلاطی که در نسخ شجره دوم وجود دارد انتساب نادرست برخی اشعار مورد استشهاد به شاعرانی غیر از شاعران حقیقی آن اشعار است. این اغلاط در نسخه مزبور موجود نیست و اشعار این نسخه به نام گویندگان واقعی آن‌ها نقل شده است. شایان یادآوری است که این دسته از انتساب‌های نادرست، خود یکی از معیارهای ما در تشخیص نسخ متعلق به شجره دوم بود که در سطور آینده درباره آن‌ها بحث خواهیم کرد.

در چند موضع از نسخه چاپی کتاب و برخی نسخ خطی آن افتادگی‌ها و جابه‌جایی‌هایی به چشم می‌آید. همه این‌گونه مواضع در دست‌نویس ۱ درست و سالم است. مواضع یادشده در آن دسته از نسخ ما را به خویشاوندی و نسبت آن‌ها با هم رهنمون کرد و خود یکی از معیارهای ما در شناسایی شجره‌های مختلف نسخ موجود بود.

در برخی شواهدی که این دست‌نویس برای صنایع گوناگون نقل کرده است، مشاهده شد که وجود برخی ابیاتی که این نسخه نسبت به دست‌نویس‌های دیگر اضافه دارد ضروری بوده و نبود آن ابیات در دیگر نسخ، نقص و افتادگی آن‌ها محسوب می‌شود، یعنی این دسته از اضافات از خود مؤلف است که برای بیان منظورش بسیار ضروری بوده است.

از دیگر تفاوت‌های این دست‌نویس با دیگر نسخ، وجود برخی اختلافات جزئی در تبویب و فصل‌بندی کتاب و ترتیب قرارگرفتن آن‌هاست. این دست‌نویس یکی دو فصل بسیار کوتاه هم نسبت به دست‌نویس‌های دیگر اضافه دارد، از جمله فصل «سهل ممتنع». چنین به نظر می‌رسد که مؤلف پس از تألیف کتاب نسخه‌هایی از آن را منتشر ساخته است، اما سپس‌تر در آن دست برده و مطالبی را بدان افزوده، یک صفحه‌ای به دیباجه‌اش اضافه کرده و آن را به یکی از وزرای زمان خویش تقدیم کرده است.

### شجرهٔ دوم

این گروه از نسخ که بنا به دلایلی که بر خواهیم شمرد از یک مادر نسخه منشعب شده‌اند عبارت‌اند از نسخه‌های ۲ و ۳ و ۴ و ۵. این دسته شباهت‌های ساختاری بسیاری به هم دارند و اختلاف آن‌ها تنها در ضبط مفردات است؛ افتادگی‌ها، جابه‌جایی‌ها و برخی اغلاط فاحش که در همهٔ این نسخ به چشم می‌آید ما را بر آن داشت که آن‌ها را از یک شجره بدانیم. گفتنی است چاپ موجود *دقایق‌الشعر* بسیار شبیه به نسخه‌های این شجره است و باید آن را جزء این شجره به شمار آورد.<sup>۶</sup> برای نمونه به برخی موارد مشترک در این دسته که سبب شد آن‌ها را جزء یک شجرهٔ واحد بدانیم اشاره می‌شود:

لقب مؤلف کتاب در همهٔ این دست‌نویس‌ها، جز دست‌نویس ۲، که به سبب افتادگی برگ‌های آغازین نام مؤلف در آن دیده نمی‌شود، به صورت «تاج‌الخلای» ضبط شده و چنان که پس از این خواهیم گفت، صورت درست آن «تاج‌الخلوایی» است. صورت «تاج‌الخلای» تنها در نسخ این شجره به چشم می‌آید و در دیگر نسخ کتاب و منابع قدیم دیده نمی‌شود.

در فصل «اغراق فی الصفة» در نسخه‌های ۱ و ۶ بیتی از کمال اسماعیل آمده است بدین شکل:

از عدل تو چو شانه کند راست چنگ گرگ بر پشت میش مویی اگر کج کند شبان

در نسخ شجرهٔ دوم تنها مصراع اول دیده می‌شود و مصراع دوم از آن‌ها افتاده است. بدیهی است که این افتادگی بیت را ناقص کرده و معنای آن در این صورت مختل است.<sup>۷</sup> در این دسته از نسخ زیر صنعت «مراعات‌النظیر» یک رباعی به نام رشید و طواط آمده با این توضیح:

«... و استاد رشیدالدین و طواط بدین رباعی تفاخر کند که چهار عضو و چهار میوه

نشانه است:

دی فندق مهر تو زبانهم بربست  
در خسته دلم چو مغز در پسته نشست  
امروز اگر نه خاک پایش باشم  
فردا بروم مرا بود باد به دست...»

چنان که دیده می‌شود بیت اول و دوم هیچ ارتباطی با هم ندارند و آشکار است که خلطی صورت گرفته است.<sup>۸</sup> این مشکل از طریق نسخه ۱ و ۶ حل می‌شود؛ گویا کاتب مادر نسخه شجره دوم، دو رباعی را در هم آمیخته و یک رباعی بی‌معنا از ترکیب آن دو ساخته است؛ بدین ترتیب که بیت اول از ترکیب مصراع اول بیت اول و مصراع آخر رباعی نخست ساخته شده است و بیت دوم، دومین بیت از رباعی بعدی است. در اصل این دو رباعی اینها هستند:

دی فندق مهر تو زبانهم بربست  
بار غم تو چو گوز پشتم بشکست  
هر تیر که از چشم چو بادام تو جست  
در خسته دلم چو مغز در پسته نشست

\*\*\*

آتش‌رویی پریر در ما پیوست  
دی آب رخم ببرد و عهدم بشکست  
امروز اگر نه خاک پایش باشم  
فردا بروم مرا بود باد به دست

از اغلاط فاحش مشترک دیگری که در نسخ این شجره دیده می‌شود مربوط است به دو فصل «تأکید المدح بما یشبه الذم» و «تأکید الذم بما یشبه المدح» که تعریف این دو صنعت در این نسخ جابه‌جا شده است؛ یعنی تعریف اولی برای دومی و تعریف دومی برای اولی آمده است.

در انجامه هر چهار نسخه این خانواده از نسخ و چاپ دانشگاه، نام کتاب به اشتباه به صورت دقایق الاشعار ضبط شده، در صورتی که در دیباچه آن در تمام نسخ، نام کتاب به صورت دقایق الشعر آمده است. حاجی خلیفه هم در کشف‌الظنون نام کتاب را دقایق الشعر دانسته است (حاجی خلیفه، ۱۳۶۰: ۷۵۸).

### شجره سوم

نسخه ۶ به سبب بعضی صورتهای ساختاری خاص خود از مادر نسخه‌های متفاوت با مادر نسخه‌های دو شجره پیشین منشعب شده است. در توضیح این امر باید گفت که دست‌نویس ۶ نسخه‌ای است بینابین دست‌نویس ۱ و دست‌نویس‌های شجره دوم؛ یعنی در بسیاری موارد به‌لحاظ ساختاری و ضبطی شبیه نسخ شجره دوم است و در عین حال بسیاری از بخش‌های اضافی نسخه ۱ را نیز داراست. چنین می‌نماید که کاتب مادر نسخه این دست‌نویس یا کاتب خود آن، هم دست‌نویسی از شجره نخست و هم نسخه‌ای از شجره دوم در اختیار داشته و با درهم‌آمیختن آن دو، نسخه‌ای جدید ساخته که با دیگر نسخه‌ها در یک گروه جا نمی‌گیرد. البته باید افزود جدا از موارد گفته‌شده در باب این دست‌نویس،

برخی تفاوت‌های مختصر از لحاظ ترتیب قرار گرفتن ابواب و فصول نسبت به دیگر نسخ نیز در این نسخه به چشم می‌آید.

در تمام نسخ کتاب جز نسخه ۱ و نسخه ۶ لقب مؤلف به همان صورتی که در نسخه چاپی هم آمده ضبط شده است یعنی «تاج‌الحلاوی».

با توجه به آنچه در باب تبارشناسی دست‌نویس‌های *دقایق‌الشعر* گفته شد، تمام نسخه‌ها شامل صورت «تاج‌الحلاوی» متعلق به شجره دوم هستند و حتماً در مادر نسخه آن‌ها لقب مؤلف به همان صورت «تاج‌الحلاوی» ضبط شده بوده که این صورت به تمام این نسخه‌ها نیز وارد شده است.

بنا به دلایلی که در زیر ارائه می‌شود ظاهراً نام مؤلف به صورت «تاج‌الحلاوی» موجود در نسخ مذکور در بین دیگر ادبا و نویسندگان قدیم شناخته‌شده نبوده است، بلکه او را به نام «تاج‌الحلوی» یا «تاج‌الدین حلوی» می‌شناخته‌اند:

در دست‌نویس ۱ (گ اپ) و دست‌نویس ۶ (گ اپ) نام مؤلف به صورت «علی بن محمد المشتهر بتاج الحلوائی/حلوی» آمده است. چنان‌که معلوم است، صورت «حلوی» در دو شجره از نسخ کتاب دیده می‌شود. به‌علاوه، این صورت با کمک منابع کهن دیگر نیز تأیید می‌گردد:

نسخه‌ای از کتاب معتقد اثر ابواسحاق ابراهیم بن محمد اسفراینی به خط پسر صاحب *دقایق‌الشعر* موجود است که در سال ۷۸۹ق نوشته شده است. میکروفیلمی از آن به شماره ۶۲۳ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است (دانش‌پژوه، ۱۳۴۸: ۵۱۵). این متن را علی محدث براساس همین دست‌نویس جزء مجموعه‌ای از رسالات در سوئد به چاپ رسانده است (اسفراینی، ۲۰۰۸: ۱۵۱-۱۶۳). انجامه این نسخه چنین است:

کرد که بود، والله تعالى علم به، ثم ارتب ارجع الله تعالى و حسن توفيقه  
 على الضعيف النحيف شهاب ابن تاج الحلوي  
 الفوتوي في القاموس الثماني لسنه  
 و ثمانين و سبعمائة الهجرية النبوية المصطفوية

چنان‌که در تصویر دیده می‌شود، عبارت انجامه از این قرار است: «تم الرسالة بحمدالله تعالى و حسن توفيقه على يد الضعيف النحيف شهاب ابن تاج‌الحلوي الفزويني في الخامس

والعشر [این] من جمادی الثانی لسنه تسع و ثمانین و سبعمائه الهجریه النبویه المصطفویه». براساس این انجنامه نیز صورت «تاج الحلوایی» تأیید می‌شود.

در *انیس العشاق* شرف رامی تبریزی که بین سال‌های ۷۶۰ق تا ۷۷۶ق تألیف شده (کیانی، ۱۳۷۶: ۲۷-۲۸) بیتی از صاحب *دقایق الشعر* نقل شده است با عنوان «تاج‌الدین حلوایی» (شرف‌الدین رامی، ۱۳۷۶: ۶۶). علاوه بر متن چاپی *انیس العشاق*، به یکی از نسخ قدیمی آن نیز مراجعه شد؛ در این دست‌نویس نیز نسب او به همان صورت «حلوایی» ضبط شده است (*انیس العشاق*، دست‌نویس مرعشی: گ ۲۷ر).

در *جنگ اسکندری* که در سال‌های ۸۱۳-۸۱۴ق برای اسکندرمیرزا تیموری در شیراز تدوین و کتابت شده است، شعری از شاعری با نام تاج‌الحلوایی دیده می‌شود که باید همان صاحب *دقایق الشعر* باشد (جنگ اسکندری، دست‌نویس کتابخانه بریتانیا: گ ۱۴۰پ).

در *بدایع الافکار فی صنایع الاشعار* واعظ کاشفی، تألیف‌شده در سده نهم هجری، شعری از صاحب *دقایق الشعر* نقل شده که در خود *دقایق الشعر* نیز به نام مؤلف آمده است (تاج‌الحلاوی، ۱۳۴۱: ۵۱)؛ از این شعر معلوم می‌شود که واعظ کاشفی در تألیف کتاب خود *دقایق الشعر* را در اختیار داشته است. در *بدایع الافکار* نام صاحب *دقایق الشعر* چنین ضبط شده است: «تاج‌الدین حلوایی» (واعظ کاشفی: ۱۳۶۹: ۱۲۵؛ نیز نک: واعظ کاشفی، ۱۹۷۷: ۸۶).

در *کشف‌الظنون* (تألیف حدود ۱۰۵۰ق) ذیل *دقایق الشعر* چنین آمده: «دقائق الشعر: فارسی علی نمط حدائق السحر لعلی ابن محمد الشهیر بتاج‌الحلوانی» (حاجی خلیفه، ۱۳۶۰: ۷۵۸).

می‌بینیم که حاجی خلیفه (۱۰۱۷-۱۰۶۷ق) نام صاحب *دقایق الشعر* را «تاج‌الحلوانی» ضبط کرده است و نه «تاج‌الحلاوی». این صورت «تاج‌الحلوانی» که حاجی خلیفه ضبط کرده و به‌تنهایی هیچ اساس و پایه‌ای ندارد، بی‌گمان صورت تصحیف‌شده «تاج‌الحلوایی» است که در واقع همزه به نون بدل شده است. ضبط صاحب *کشف‌الظنون* خود تأیید دیگری است بر صورت «تاج‌الحلوایی». البته این احتمال نیز وجود دارد که حاجی خلیفه هم به صورت تاج‌الحلوایی ضبط کرده بوده، اما کاتبان بعدی *کشف‌الظنون* به اشتباه حلوایی را حلوانی خوانده و کتابت کرده‌اند.

با توجه به موارد گفته‌شده تردیدی باقی نمی‌ماند که صورت درست‌تر نام صاحب *دقایق الشعر* «تاج‌الحلوایی» است. البته گفتنی است که نسبت «حلاوی» در نام برخی اشخاص دیگر نیز وجود دارد و نیز با توجه به شباهت معنایی دو واژه «حلوایی» و «حلاوی»

نمی‌توان آن را لزوماً غلط کتابتی دانست، اما با توجه به دلایلی که عرضه شد آنچه مسلم است صورت «حلوایی» برای لقب صاحب *دقایق‌الشعر* صورت اصیل‌تر و درست‌تر است. از یکی از اشعار حلوایی که در *دقایق‌الشعر* آمده (نسخه ۱: گ ۲۱-۲۱پ) درمی‌یابیم که تخلص او در شعر «تاج» بوده است؛ او در زیر صنعت ایهام این شعر را به نام خود آورده است: «جامع کتاب گوید در مدح صاحب سعید، عزالدین منوچهر-جعل الله الجنة المأواه-

شاه اقلیم جلالی بو که بپذیری مرا	زانکه بی‌شک تاج را باشند شاهان خواستار
تا مرا خوانند شاهان مداح صاحب‌قبول	تا تو را گویند اعیان شهریار تاج‌دار
بس که شعر خود به القابت تخلص می‌کنم	که منوچهریم خواند گاه عزای روزگار»

از این ابیات دانسته می‌شود که تخلص او «تاج» بوده است.

در بیت پایانی غزلی از او که در *جنگ اسکندری* (گ ۲۴۴ر) با عنوان «مولانا تاج‌الدین حلوایی» نقل شده، تخلص او به صورت «تاجی» دیده می‌شود:

راز تاجی گشته در هر مجلسی روشن چو شمع      پرتو رخسار زرد و چشم‌گریان این کند

در *عرفات‌العاشقین* از شاعری یا تخلص «تاج» یاد شده و شعری هم از او نقل شده است (اوحدی بلیانی، ۲/۱۳۸۹: ۸۵۸). با توجه به تخلص تاج این امکان وجود دارد که او همان تاج‌الدین حلوایی صاحب *دقایق‌الشعر* باشد. البته فعلاً در این باب نمی‌توان نظر قطعی داد.

اینکه بعضی تاج حلوایی را همان تاج رومی دانسته‌اند (امام، ۱۳۴۱: سه؛ کیانی، ۱۳۷۶: ۲۳۳) درست نمی‌نماید، چراکه اولاً چنان‌که گفته شد تاج‌الدین حلوایی در شعر، «تاج» و «تاجی» تخلص می‌کرده، اما تخلص تاج رومی «رومی» بوده است (اوحدی بلیانی، ۲/۱۳۸۹: ۸۵۷). دیگر اینکه در *جنگ اسکندری* که در ۸۱۳-۸۱۴ ق در زمانی تقریباً نزدیک به عصر حیات تاج حلوایی تدوین شده است، علاوه بر «تاج‌الحلوایی» (گ ۲۴۴ر) از «تاج‌الدین رومی» نیز جداگانه شعر نقل شده است (گ ۲۵۰ر).<sup>۹</sup>

چنان‌که گفته شد، مؤلف پسری داشته به نام شهاب و احتمالاً او به شغل کتابت اشتغال داشته است.

محمدکاظم امام در مقدمه *دقایق‌الشعر* با توجه به چند دلیل سست، مؤلف را از اهالی آسیای صغیر و محل تألیف کتاب را نیز همان سرزمین دانسته است؛ از جمله چنین استدلال کرده:

...و به‌علاوه فارسی‌دانان و شعرای فارسی‌سرای آسیای صغیر همگی از فرقه درویش و پیروان مکتب عرفانی قونیه بوده‌اند و این تاج‌الحلاوی در این کتاب خود را درویش معرفی می‌کند و به دارابودن اخلاق درویش فخریه و مباحث می‌نماید، چنان‌که در باب «سخ» که



شاعری معنی را به وجهی لطیف استعمال کرده و شاعر فرومایه‌ای آن معنی را بگیرد و به وجهی قبیح استعمال کند- گوید: ...مثال هریک نمودن موجب فضحیت است و پرده خواهران خود دریدن ناجوانمردی باشد و جهانیان دانند که خبث و بدسیرتی و ایداء از اخلاق و افعال این درویش نیست... (امام، ۱۳۴۱: سه مقدمه).

چنان که دیده شد، دلایل محمدکاظم امام در انتساب تاج حلوایی به آسیای صغیر به هیچ‌روی قانع‌کننده نیست. عقیده ما بر آن است که تاج حلوایی از اهالی قزوین بوده و کتابش را نیز در همان جا تألیف کرده است. دلایلی که می‌توان برای این امر ارائه کرد از این قرار است:

چنان که پیش از این گفته شد، نسخه‌ای به خط پسر تاج حلوایی در اختیار داریم که او در انجامه، خود را چنین معرفی کرده است: شهاب بن تاج‌الحلوی قزوینی. وقتی پسر تاج حلوایی خود را به قزوین منسوب کرده است، حتماً پدرش نیز از اهالی همان شهر بوده است. البته این تنها دلیل ما برای قزوینی بودن تاج‌الحلوی نیست.

از طریق تحریر تازه باب دقایق الشعر (نسخه ۱) دانسته می‌شود که تاج حلوایی کتابش را به شخصی به نام جمال‌الدین ابوالعز تقدیم کرده است (نسخه ۱: گ ۲؛ گ آخر). با جست‌وجو در منابع تاریخی توانستیم اطلاعی از او به دست آوریم. او باید یکی از افراد خاندان ابوالعزیزان قزوین باشد که به قضویان نیز اشتهار داشته‌اند. این خاندان در قزوین صاحب منصب بوده‌اند. حمدالله مستوفی که خود اهل قزوین بوده است در تاریخ‌گزیده درباره این خاندان چنین آورده است:

قضویان: جدشان فخرالدین فخرآور در دیوان قضا وکالت کردی، بدین سبب ایشان را قضوی خوانند. پسرش عزالدین ابوالعز هوس کار دیوان کردی؛ پدر جدّم امین‌الدین نصرمستوفی او را ارشاد کرد و به خدمتکاری امیر آیت‌گمش مملوک اتابک محمد بن ایلدگز درآورد و چون او از قبل خوارزمشاه حاکم عراق شد عزالدین ابوالعز از نیابت او نعمتی وافر حاصل کرد، املاک و اسباب خرید. آن قوم را نسبت بدو ابوالعزیزان نیز خوانند. نبیره او عمادالدین عمر پیش امیر بوقا نایب بود؛ به وقت آنکه خلیفه بر دست مغول شهید شد و امیر بوقا امارت بغداد یافت عمادالدین عمر در اجراء خیرات و رفع رسوم ناپسندیده سعی بلیغ نمود، بدین سبب در بغداد نامش بلند شد و بغدادیان او را ثالث‌العمرین خواندند. قوم ایشان مردمی صاحب جاه و مال‌اند و تا بزرگی بدیشان رسیده از نعمتی که داشتند هیچ نقصان نپذیرفت [بلکه در تزیید بود] در این عهد از ایشان صاحب مرحوم عزالدین منوچهر بن جمال‌الدین امیر علی بن صدرالدین محمد بن عزالدین ابوالعز بن فخرآور صاحب جاه و

مال بود و در کسب و جذب دنیاوی رایبی صائب داشت و در حفظ آن جدّی بغایت (حمدالله مستوفی، ۱۳۶۲: ۸۰۹).

این عزالدین منوچهر که مستوفی نام او را برده، باید همان کسی باشد که تاج حلوایی چندبار در مطاوی کتاب خود از او با عنوان جدّ ممدوح خود، یعنی جمال‌الدین ابوالعز، یاد کرده است (نسخه ۱: گ ۲۱). در ضمن از کلام تاج‌الحلوی چنین دانسته می‌شود که این فرد یعنی عزالدین منوچهر، خود نیز ممدوح او بوده و تاج حلوایی قصایدی در مدح او داشته که پاره‌ای از آن‌ها را در *دقایق‌الشعر* نقل کرده است (همان: گ ۶).

اطلاع دیگری که توانستیم درباره جمال‌الدین ابوالعز قزوینی به دست آوریم حکایتی است که خواجه عمادالدین محمود گاوآن گیلانی (۸۰۸ - ۸۸۶ق) صاحب کتاب *مناظرالانشاء* در باب او نقل کرده است:

... چنان که جمال‌الدین ابوعز قزوینی<sup>۱۰</sup> در وقتی که او را جهت ضبط امور مالی به قزوین فرستادند و خواجه امام‌الدین را فوایح گلزار فضایل به مشام ذات نرسیده بود و ذائقه حیاتش از مائده کمال هیچ نچشیده، خواجه جمال‌الدین مذکور به وزیر سلطان این دو بیت می‌نوشت:

بنده و قزوین، امام‌الدین و آذربایجان      این سویت را نگه کن باز و این قسمت بین  
گر مناصب را به استحقاق دادندی به کس      بنده در تبریز بایستی و او در درگزین

وزیر مذکور، خواجه جمال‌الدین مذکور را به تبریز فرستاد (خواجه عمادالدین محمود گاوآن، ۱۳۸۱: ۲۲۲-۲۲۳).

اگر شخص مذکور در این حکایت همان جمال‌الدین ابوالعز مورد نظر ما باشد، احتمالاً علاوه بر قزوین مدتی هم در تبریز منصبی داشته است.<sup>۱۱</sup> همچنین به این سبب که شعری به زبان قزوینی در *دقایق‌الشعر* (۱۳۴۱: ۱۱) نقل شده است، قزوینی بودن مؤلف آن بارزتر می‌شود.

### نتیجه‌گیری

در این جستار نشان دادیم که دست‌نویس‌های شناسایی شده از *دقایق‌الشعر* در سه گروه قابل طبقه‌بندی هستند که یکی از آن‌ها را می‌توان تحریر تازه‌ای از این کتاب به شمار آورد. این تحریر نویافته علاوه بر اختلافات مهمی که با صورت چاپی *دقایق‌الشعر* دارد، شامل اضافاتی است که به کمک منابع دیگر آشکار می‌کند که اولاً صورت درست لقب مؤلف کتاب تاج‌الحلوی است نه تاج‌الحلاوی. دوم اینکه مؤلف اهل قزوین بوده نه آسیای صغیر، آن‌چنان که تاکنون تصور شده است. دیگر اینکه برای نخستین بار مشخص شده که مؤلف از

ارادتمندان و مداحان دو تن از خاندان ابوالعزیزان (قضویان) قزوین به نام‌های جمال‌الدین ابوالعز و جدّ او عزالدین منوچهر بوده است، و دقایق الشعر را به همین جمال‌الدین ابوالعز تقدیم کرده است.

### پی‌نوشت

۱. دانشگاه تهران در سال ۱۳۸۳ به مناسبت هفتادمین سال تأسیس خود، دقایق الشعر را در مجموعه هفتادگنج به شیوه افسست چاپ مجدد کرد. در این چاپ مجدد، غلط‌نامه‌ای که در انتهای چاپ اول کتاب قرار داده شده بود لحاظ نشده، یعنی نه آن غلط‌نامه را چاپ کرده و نه در متن اعمال کرده‌اند و این بی‌دقتی دانشگاه تهران سبب شده تا غلط‌های بسیار دیگری در کنار صدها غلط موجود در کتاب قرار گیرد.
۲. غلط‌خوانی‌ها، جابه‌جایی‌های نابه‌جا، افتادگی‌های مخلّ متن، استدلال‌های نادرست درباره مؤلف و مکان تألیف در مقدمه کتاب، روش‌مندی نبودن تصحیح متن، معرفی نکردن نسخ مورد استفاده، عدم ذکر نسخه‌بدل‌های متن، برخی تعلیقه‌های نادرست و... از جمله ایرادهای چاپ محمدکاظم امام است.
۳. از دو نسخه دانشگاه استانبول (۷ و ۸) نتوانستیم عکسی به دست آوریم و اطلاعات ما از این دو نسخه برگرفته از فهرست نسخ خطی کتابخانه دانشگاه استانبول است (نک: سبحانی و آق‌سو، ۱۳۷۴: ۱۴۳ و ۳۱۰).
۴. این دست‌نویس اکنون در کتابخانه سلیمانیه استانبول نگهداری می‌شود.
۵. بررسی مفصل اختلافات و اضافات و ذکر جزئیات را به جستاری دیگر موقوف می‌کنیم.
۶. محمدکاظم امام در دقایق الشعر اشاره‌ای به نسخه یا نسخه‌های مورد استفاده خود نکرده، اما در تعلیقات حقایق الحقائق در پانویس، به نسخه خطی خود از دقایق الشعر ارجاع داده است (امام، ۱۳۴۱: ۱۹۲). شناسایی نسخه مورد اشاره برای ما میسر نشد.
۷. در چاپ دقایق الشعر که قطعاً براساس یکی از این‌گونه نسخ تهیه شده است همین تک‌مصراع هم به صورت مغلوب ضبط شده و خارج از وزن است (تاج‌الحلای، ۱۳۴۱: ۴۳). محمدکاظم امام در پانویس همان صفحه چنین نوشته است: «کذا این عبارت معلوم نیست مصراعی است یا بیتی تمام بوده به هر حال به قدر جای یک مصراع یا نیم سطر سفید و نانویس است» (همانجا).
۸. محمدکاظم امام هم گویا متوجه این خلط شده بوده و در پایان رباعی، یک «کذا» افزوده است (همان: ۵۳).
۹. سه بیتی که از تاج‌الدین رومی در جنگ اسکندری مذکور است در عرفات‌العاشقین نیز به نام همو دیده می‌شود.
۱۰. در متن: الغزنوی؛ با توجه به نسخه‌بدل‌ها به قزوینی تصحیح شد.
۱۱. در مبیعه‌نامه‌ای از سده نهم هجری، ذکری از اقرارنامه‌ای مربوط به سال ۷۹۷ق رفته بدین مضمون که جمال‌الدین علی ابوالعزّی قریه‌ای را که از پدرش به ارث برده بوده، میان فرزندان خود تقسیم کرده است

(شیخ الحکامی، ۱۳۹۰: ۱۹۰). اگر این شخص، جمال‌الدین مورد نظر ما نباشد، مسلماً از همان خاندان ابوالعزیزان قزوین است.

## منابع

اسفراینی، ابواسحاق ابراهیم بن محمد. معتقد. میکروفیلم شماره ۶۲۳ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران.

\_\_\_\_\_ (۲۰۰۸م) چاپ شده در: بیست متن فلسفی— عرفانی. به کوشش علی محدث. سوئد: دانشگاه اوپسالا.

امام، سیدمحمدکاظم (۱۳۴۱) مقدمه *دقایق‌الشعر*. تهران: دانشگاه تهران.

\_\_\_\_\_ (۱۳۴۱) *تعلیقات حقایق‌الحدائق شرف‌الدین رامی تبریزی*. تهران: دانشگاه تهران.

اوحدی بلیانی، تقی‌الدین محمد (۱۳۸۹) *تذکره عرفات‌العاشقین و عرصات‌العارفین*. به کوشش ذبیح‌الله صاحبکاری. آمنه فخر احمد. با نظارت علمی محمد قهرمان. تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب با همکاری کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.

تاج‌الحلوی، علی‌بن محمد (۱۳۴۱) *دقایق‌الشعر*. به کوشش سیدمحمدکاظم امام. تهران: دانشگاه تهران.

جنگ / اسکندری، دست‌نویس شماره Add.27261 موزه بریتانیا. مورخ ۸۱۳-۸۱۴ق.

حاجی خلیفه (۱۹۴۱م/۱۳۶۰ق) *کشف‌الظنون عن اسامی‌الکتب و الفنون (ج ۱)*. به کوشش محمد شرف‌الدین. استانبول.

حمدالله مستوفی (۱۳۶۲) *تاریخ‌گزیده*. به کوشش عبدالحسین نوایی. تهران: امیرکبیر.

خواجه عمادالدین محمود گاوآن (۱۳۸۱) *مناظرالانشاء*. تصحیح معصومه معدن‌کن، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.

دانش پژوه، محمدتقی (۱۳۴۸) *فهرست میکروفیلم‌های کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران*. تهران: دانشگاه تهران.

سبحانی، توفیق و حسام‌الدین آق‌سو (۱۳۷۴) *فهرست نسخه‌های خطی فارسی کتابخانه دانشگاه استانبول*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

شرف‌الدین رامی تبریزی (بی‌تا) *انیس‌العشاق*. دست‌نویس کتابخانه آیت‌الله مرعشی قم. مجموعه شماره ۱۲۸۴۴. مورخ ۸۰۰ق (۹)

\_\_\_\_\_ (۱۳۷۶) *انیس‌العشاق*. به کوشش محسن کیانی. تهران: روزنه.

شیخ‌الحکامی، عمادالدین (۱۳۹۰) «خاندان‌های حسنی و ابوالعزیز قزوین در مباحثه‌نامه مورخ ۸۳۷ هجری قمری». *اسناد بهارستان*. سال اول. شماره دوم: ۱۸۹-۲۰۵.

کیانی، محسن (۱۳۷۶) مقدمه و *تعلیقات انیس‌العشاق*. تهران: روزنه.

---

دقایق الشعر و مؤلف آن بر پایه تحریری تازه باب از کتاب، صص ۹۷-۱۰۹

واعظ کاشفی (۱۹۷۷) بدایع الافکار فی صنایع الاشعار (چاپ عکسی). به کوشش رحیم مسلمانقلف.  
مسکو.

واعظ کاشفی (۱۳۶۹) بدایع الافکار فی صنایع الاشعار. به کوشش میرجلال الدین کزازی. تهران: مرکز.

Archive of SID